

The Position of Aryan Marriage Contract in Islamic Family Jurisprudence System

Zeinab Mohammadzadeh^{1*}, Mehdi Ejtehadi²

1- Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law and Thought of Imam Khomeini (RA), Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution, Tehran, Iran.

2- Ph.D. Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law and Thought of Imam Khomeini (RA), Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution, Tehran, Iran.

Received Date: 2023/04/04

Accepted Date: 2023/07/06

Abstract

As Islam emerged and spread in Iran, many Iranian customs and traditions underwent serious changes in personal and social relations. The marriage contract is one of the social contracts that have taken a new form due to these changes. However, in recent years, some young Iranians returning to their previous traditions replaced the *shar'ī* marriage with a new marriage called "Aryan marriage contract" (*aqd-i āriyā'ī*) to set their marriage bond. After a while, due to the belief that it is illegitimate, it was banned in marriage offices. Using the analytical descriptive method, this article explains and analyzes the content of this contract and its legitimacy based on the teachings of Islam. Through reading this article, it would be clear that the mere emergence of the Aryan marriage contract and some differences in the appearance of its implementation with the *shar'ī* marriage are not considered as proof of its illegitimacy; this contract enjoys the basic elements of creating a marriage bond in Islam, that is, it is correct and legitimate.

Keywords: Aryan contract, ancient contract, marriage contract, family jurisprudence .

جایگاه عقد آریایی در نظام فقه خانواده اسلامی

زینب محمدزاده^{۱*}، مهدی اجتهادی^۲

۱- استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی^(ره)،

پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام

خمینی^(ره)، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

چکیده

با ظهور و گسترش اسلام در ایران، بسیاری از آداب و رسوم و سنت‌های ایرانیان در مناسبات فردی و اجتماعی دستخوش تحولات جدی شد. عقد نکاح از جمله پیمان‌های اجتماعی‌ای است که در معرض این تغییرات شکل جدیدی به خود گرفته است. با این حال در سال‌های اخیر بسیاری از جوانان ایرانی با هدف بازگشت به سنت‌های پیشین خود، در ایجاد پیوند زناشویی خود، عقد جدیدی موسوم به «عقد آریایی» را جایگزین عقد شرعی ساختند؛ اما پس از چندی به دلیل باور به عدم مشروعیت آن، اجرای آن در دفاتر ازدواج ممنوع اعلام شد. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، به تبیین و تحلیل محتوایی این عقد و مشروعیت آن براساس آموزه‌های دین اسلام می‌پردازد. بامطالعه این نوشتار می‌توان دریافت که صرف نوپدایی عقد آریایی و برخی تفاوت‌ها در شکل ظاهری اجرای آن با عقد شرعی، دلیل بر عدم مشروعیت آن تلقی نمی‌شود؛ این عقد از ارکان اساسی ایجاد پیوند زناشویی در اسلام برخوردار بوده، صحیح و مشروع است.

واژگان کلیدی: عقد آریایی، عقد باستانی، عقد نکاح، فقه خانواده.

بیان مسئله

پاسداشت سنت‌های دیرین به‌عنوان جزئی از ارزش‌های ملی بشریت همواره مورد توجه بوده است. دین اسلام نیز برخی از این سنت‌ها را تأیید نموده و پایبندی به آن‌را مورد تأکید قرار داده است. در این میان، نکاح به‌عنوان یکی از سنت‌های رایج در طول تاریخ، بارها دستخوش تغییرات بسیار شده است. از این‌رو تعیین حد و مرز نکاح با زنا همواره مورد توجه ملت‌ها و ادیان الهی بوده است. به‌ویژه تاریخ ایرانیان نشان می‌دهد همیشه به مراسم عقد و عروسی پایبند بوده و با آداب و رسوم معینی دختران و پسران خود را به خانه بخت می‌فرستادند و مرز بین نکاح و سفاح را رعایت می‌کردند. با ظهور اسلام در ایران، کیفیت اجرای عقد ازدواج تغییر یافت و عقد شرعی در میان مردم رواج یافت؛ اما اخیراً در بین جمعی از جوانان ایرانی، تمایل به عقد ازدواج جدیدی تحت عنوان «عقد آریایی» فزونی یافته که در شکل اجرای خود با عقد شرعی تفاوت‌هایی دارد. دلیل استقبال از این شکل عقد را می‌توان در انگیزه‌هایی مانند پاسداری از زبان مادری، امکان اجرای عقد توسط خود زوجین و بدون حضور وکیل، تأکید بر لزوم وفاداری به‌جای تعهدات مالی و دارا بودن بار معنایی عاطفی الفاظ عقد در مقابل بار معنایی جنسی صیغه عقد شرعی، خلاصه کرد. با این حال تلقی نهادهای حاکمیتی، عدم مشروعیت این عقد بوده و در این راستا، اجرای آن‌را در دفاتر رسمی ازدواج ممنوع و غیرقانونی اعلام کردند. تمایل برخی جوانان ایرانی به برگزاری مراسم پیوند زناشویی براساس عقد آریایی به‌جای عقد شرعی از یک‌سو و محدودیت و ممنوعیت قانونی آن از سوی نهادهای حاکمیتی از سوی دیگر، ما را بر آن داشت تا ضمن تحلیل محتوایی عقد آریایی رایج و مقایسه آن با نکاح شرعی، مشروعیت این عقد را مورد ارزیابی قرار دهیم. در این راستا ابتدا نگاهی به وضعیت ازدواج در ایران باستان می‌اندازیم. از آنجا که بنا به ادعای طرفداران عقد آریایی این عقد میراث ایرانیان باستان است، لازم دانستیم ضمن بیان متن دو عقد باستانی و عقد آریایی امروزی به مقایسه آن‌ها بپردازیم. در ادامه، ضمن تحلیل محتوایی عقد آریایی، ارکان و شرایط آن‌را از نظر می‌گذرانیم و در آخر نیز با بررسی ادله مشروعیت این عقد، به تبیین فقهی آن پرداخته خواهد شد. شایان ذکر است علی‌رغم ترویج این عقد در جامعه ایرانی و مخالفت برخی با آن به‌دلیل عدم مشروعیت آن، این مسئله از توجه و نظر پژوهشگران فقه و حقوق دورمانده و تاکنون هیچ پژوهش فقهی‌ای در این خصوص نگاشته نشده است. به این ترتیب پژوهش حاضر ضروری و در نوع خود نوآورانه به‌شمار می‌آید.

۱- ازدواج در ایران باستان

سنت دیرینه ازدواج در باور زرتشتیان دارای پنج مرحله‌ی خواستگاری، نامزدی، گواه‌گیری، جشن عروسی و پاتختی بوده است. در خواستگاری شاخه‌هایی از سرو، نقل، انار سکه زده شده، برگ خشک آویشن، دانه‌های سنجد و بادام و کله‌قند سبز برای عروس برده می‌شد. نامزدی نیز در دو مرحله صورت می‌گرفت. در مرحله اول، خانواده داماد همراه با ده موبد^۱ برای بله گرفتن از عروس به خانه عروس می‌رفت و در مرحله دوم داماد به همراه اقوام خویش حلقه سیم و زر را به خانه عروس می‌برد. مرحله سوم، جشن گواه‌گیری است که در تالار آتشکده یا در نیایشگاه انجام می‌گرفت و موبد پس از دریافت پاسخ بلی از عروس و داماد، هفت نفر را شاهد پیوند زناشویی قرار می‌داد. مدتی بعد جشن عروسی برپا می‌شد و در پایان شب داماد به همراه تعدادی از اقوام، عروس را به خانه خود می‌برد. پسین‌فردای روز عروسی مراسم پاتختی آغاز می‌شد. در این مراسم داماد را کنار جوی آب روان برده و موبد پس از قرائت اوستای آبزور^۲، مقداری شیر درون آب می‌ریخته است. در همان زمان عروس و همراهانش به پشت‌بام رفته و منتظر بازگشت داماد می‌ماندند. هنگام ورود داماد به منزل، عروس مقداری آویشن و سنجد بر سر و دوش داماد می‌باشید. با گردآمدن اقوام مراسم پاتختی آغاز می‌شد و خواهر عروس پای عروس و داماد را با شیر و مرو^۳ می‌شست. اقوام هم هدایایی که بیشتر اثاث زندگی بود، پیشکش می‌کردند و به این ترتیب این آیین به پایان می‌رسید (نیکنام، ۱۳۹۴، ۷۵).

۲- عقد آریایی در نظام خانواده ایرانی

عقد ازدواج آریایی به شکل امروزی خود نیز با آداب و تشریفات خاصی همراه است. روش برگزاری این مراسم به این صورت است که ابتدا عروس و داماد روبروی یکدیگر ایستاده و در حالی که دستان هم را در دست دارند، در حضور پیمان‌بان، بر وفاداری خود به زندگی مشترکشان ادای سوگند می‌کنند.^۴

۱. صاحب دیر آتش‌پرستان، رئیس دینی زرتشتیان (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۴/۲۱۷۴۱).

۲. آبزور فدیه و نیازی بوده که در مراسم دینی به‌کار می‌برده‌اند. در مراسم دینی چند قرص نان درون یک پیاله آب، فشرده هوم و شاخه‌ای رز (که بعداً به فشرده انگور مبدل شد) و چیزهای دیگر بوده است که پیشوایان بر آن دعا می‌خوانده‌اند. این مراسم از زمان مهر به‌جای مانده که بعداً به شکل دیگری در آئین مسیح - به‌منزله آب مقدس مسیحیان - وارد شده است (اوشیدری، ۱۳۷۱، ۳۰۹).

۳. گیاهی خوشبو، نوعی از ریاحین و دارای اقسامی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۳/۲۰۷۱).

۴. برای اطلاعات بیشتر درباره محتوای سوگندها رجوع کنید به سایت اینترنتی

پس از ادای سوگند، عروس و داماد، متن پیمان را که به منزله صیغه عقد است و توسط پیمان‌بان خوانده می‌شود، تکرار می‌کنند:

مرد: به نام نامی یزدان

تو را من برگزیدم از میان این همه خوبان

برای زیستن با تو میان این همه گواهان

بر لب آرم این سخن با تو

وفادار تو خواهم ماند در هر لحظه در هر جا

پذیرا می‌شوی آیا؟

تو با من این چنین هستی که من با تو؟

زن: به نام نامی یزدان

پذیرا می‌شوم تو را از جان

هم‌اکنون بازمی‌گویم میان انجمن با تو

وفادار تو خواهم بود، در هر لحظه، در هر جا، برای زیستن با تو

تو هم با من چنان با مهر پیمان کن که من با تو

مرد و زن با هم: تو چون هم‌آشیان خواهی شدن با من

تمام عمر خواهم بود یک جان در دو بدن با تو

بهشت عشق سازم خانه را

سرشار از لبخند و مهر و نور و عطر و یاسمن با تو

گواهان همه با هم: همایون باد این پیمان

همایون باد این پیوند

گرامی باد این سوگند

همایون باد، همایون باد، همایون باد

پیمان‌بان: شادباش ما و انجمن را پذیرا باشید.

در پایان، پیمان‌بان، با قرائت متن نیایش^۱، از خداوند برای ایشان طلب خوشبختی، عشق، برکت و فرزندان نیکو می‌کند.

در این مراسم همچنین حضور سه بانو به‌عنوان نمادهایی از سپندارمذ (الهه مادر زمین)، آناهیتا (الهه آب و نعمت) و میترا (الهه پیمان دوستی و مهر) برای ساییدن قند و همراهی با پیمان‌بان در اجرای مراسم و گواهی دادن بر عقد پیشنهاد می‌شود (<https://www.talarkadeh.com/articles/aryan-marriage>).
گرچه درباره تاریخ و نحوه شکل‌گیری متن عقد آریایی و تشریفات آن اطلاعات دقیقی در دسترس نیست؛ اما بررسی اسناد موجود درباره آداب و رسوم پیمان‌زناشویی در ایران باستان نشان می‌دهد، متن عقد آریایی امروزی هرگز در میان ایرانیان باستان وجود نداشته و پدیده جدیدی است که طی سال‌های اخیر رواج پیدا کرده است. متنی که امروزه تحت عنوان عقد آریایی مرسوم شده است، از اشعار زنده‌یاد فریدون مشیری است که در سال ۱۳۷۴ سروده شده و در سال ۱۳۸۴ در کتاب «نوایی هم‌آهنگ باران» به چاپ رسیده است. ما در این بخش به‌منظور ارزیابی صحیح‌تر درباره ادعای طرفداران عقد آریایی مبنی بر همسانی این عقد با عقد ازدواج باستانی و لزوم پاسداری از سنت‌های گذشتگان، متن عقد زرتشتیان ایران باستان را از نظر می‌گذرانیم. بنا بر نقل نیکنام در کتاب یادگار دیرین، مراسم ازدواج زرتشتیان که به پیمان‌گواه‌گیران مرسوم بوده است به شرح زیر است:

ابتدا موبد به زبان اوستایی خوشنودی و یاری اهورامزدا را خواستار شده و سپس به زبان پارسی چنین گزارشی را بر زبان می‌آورد: در خجسته پیوند زن‌وشویی که به روش دین وه مزدیسنی^۲ به گاه فرخنده در فرخ روز ... از ماه ... به سال ... در ... به خوشنودی دادار^۳ اورمزد^۴ رایومند^۵ و خروهمند^۶، به

۱. برای اطلاع بیشتر از محتوای نیایش رجوع کنید به سایت اینترنتی <https://www.talarkadeh.com/articles/aryan-marriage>.

marriage

۲. زرتشتی، خداپرستی (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۳ / ۲۰۷۵۱).

۳. دهنده، آفریننده (منوچهر پور، بی‌تا، ۷۵).

۴. آفریننده بزرگ دانا (منوچهر پور، بی‌تا، ۷۴).

۵. نورمند، نورانی (منوچهر پور، بی‌تا، ۷۵).

۶. فرهمند (منوچهر پور، بی‌تا، ۷۵).

یاری امشاسپندان^۱ پیروزگر، به همراهی مهر^۲ و سروش^۳ و رشن^۴ راست، به شادی فروهر^۵ اشو^۶ زرتشت اسپنتمان^۷ و به گواهی نیکان باشنده در این جشن باشکوه.

در ادامه موبد از عروس پرسش می‌کند: من که موبد... هستم از شما به‌دین^۸ (نام عروس) دخت (نام مادر و پدر عروس) می‌پرسم که به‌دین (نام داماد) پور (نام مادر و پدر داماد) را به داد و آیین دین وه مزدیسنی به هم‌تنی و هم‌روانی به همسری خود می‌پذیرید؟ در سومین مرتبه که موبد پرسش می‌کند عروس پاسخ بلی می‌گوید و شرکت‌کنندگان هم‌آوا و شادمانه هابیروشاباش^۹ می‌گویند و کف می‌زنند. پس از آن نوبت پرسش موبد از داماد می‌رسد: از شما به‌دین (نام داماد) پور (نام مادر و پدر داماد) می‌پرسم که به‌دین (نام عروس) دخت (نام مادر و پدر عروس) را به داد و آیین دین وه مزدیسنی به هم‌تنی و هم‌روانی، به همسری خود می‌پذیرید؟ داماد نیز در پاسخ به موبد بلی می‌گوید و باز هم شرکت‌کنندگان هابیروشاباش می‌گویند.

موبد ادامه می‌دهد: به خجستگی و فرخندگی من و همه جهان این انجمن از اورمزد دانا و توانا آرزومندیم که به این پیوند زناشویی، پویایی، پایداری، مهر و شادکامی همراه با افزونی فرزندان نامور، خواسته فرارون^{۱۰} شادی‌آور، دیر زیوشنی^{۱۱} و سرانجام نیک، ارزانی بدارد (نیکنام، ۱۳۹۴، ۸۵).

۱. امشاسپند، فرشته و ملک (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳/۳۳۵۵).

۲. یکی از یغان یا خداوندگاران آریایی یا هندو ایرانی پیش از روزگار زرتشت است. در فرهنگ‌های فارسی مهر را فرشته‌ای دانسته‌اند که موکل است بر مهر و محبت و تدبیر امور مالی و مصالحی که در ماه مهر و روز مهر بدو متعلق است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۴/۲۱۸۸۹).

۳. در ادبیات متأخر زرتشتی سروش از فرشتگانی است که در روز رستاخیز به کار حساب و میزان گماشته خواهد شد، بیک ایزدی و حامل وحی (دهخدا، ۱۳۷۷، ۹/۱۳۶۳۴).

۴. نام فرشته‌ای که تدبیر امور و مصالح روز رشن با اوست (دهخدا، ۱۳۷۷، ۸/۱۲۰۸۹).

۵. براساس آموزه‌های دین زرتشت، فروهر با ارزش‌ترین جزء وجود انسان است؛ زیرا این جزء ذره‌ای است از هستی بی‌پایان اهورامزدا که برای راهنمایی روان و رهبری آن به‌سوی کمال در وجود انسان جایگزین شده و پس از مرگ با همان پاک‌ی و درستی به اصل خود بازمی‌گردد (منوچهر پور، بی‌تا، ۴۵-۴۹).

۶. پاک و مقدس (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲/۲۶۸۰).

۷. نام خانوادگی زرتشت پیامبر (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲/۲۰۷۴).

۸. دین خوب، پارسیان آئین و کیش خود را به دین خوانده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ۴/۵۱۱۰).

۹. واژه «هابیرو» همان هورا است که مشخص نیست به چه دلیل تبدیل به هابیرو گشته است، «شاباش» نیز همان شادباش است.

۱۰. به معنی پاک‌دامن و نیکوکار و پرهیزگار در مقابل لغت «اورون» به معنی گناهکار و شریر (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۱/۱۷۰۱۰).

۱۱. زیوش به معنای زندگی و دیر زیوشنی، زندگی دراز و طول عمر مراد است.

پس از آن موید اندرزهایی را به عروس و داماد می‌دهد که بایستی در زندگی از آن‌ها بهره‌گیرند تا به باور سنتی و دینی در جایگاه زن و شویی قرار گیرند.^۱

مقایسه متن دو عقد نشان می‌دهد، عقد آریایی، جعلی، نمادین و تشریفاتی و فاقد پیشینه تاریخی مشخص است. متن و ملحقات این عقد متفاوت از عقد باستانی و تنها محصول خلاقیت فرد یا افرادی بوده است.

۳- تحلیل محتوایی عقد آریایی

در راستای تبیین فقهی عقد آریایی، ارکان و شرایط آن را از نظر می‌گذرانیم.

۳-۱- صیغه

رکن اساسی در عقد نکاح، صیغه یا همان ایجاب و قبول است (جزیری، ۱۴۲۴، ق، ۴/۱۶). صیغه عقد آریایی در سه قسمت سوگندهای قبل از صیغه، متن صیغه و دعا و نیایش‌های پس از آن، قابل تحلیل و ارزیابی است. پیش‌تر روشن ساختیم که متن صیغه عقد آریایی برگرفته از شعری از زنده‌یاد فریدون مشیری است؛ با این حال پیشینه سوگندهای قبل از صیغه و نیایش‌های پس از آن و چگونگی ملحق شدن آن‌ها به صیغه روشن نیست.

الف) ادای سوگند پیش از اجرای صیغه

سوگند در لغت، اقرار و اعترافی است که شخص از روی شرف و ناموس خود بیان می‌کند و خدا یا بزرگی را شاهد می‌گیرد (دهخدا، ۱۳۷۷، ۹/۱۳۸۴۶). در اصطلاح فقه و حقوق، سوگند و معادل‌های عربی آن، قَسَم، حلف و یمین به معنای شاهد گرفتن خداوند یا مقدسات دینی بر صدق و راستی سخن است (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۲/۱۸۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۴۴۸).

از آداب عقد آریایی، ادای سوگند توسط زوجین قبل از اجرای صیغه عقد به عدد فصل‌های سال (دو سوگند برای داماد و دو سوگند برای عروس) است که توسط پیمان‌بان از عروس و داماد گرفته می‌شود. در این سوگندها زوجین به جای قَسَم به شرف و ناموس (مطابق تعریف لغوی) یا شاهد گرفتن خدا یا مقدسات دینی (بنا به تعریف فقهی - حقوقی)، تعهدات خود را به طراوت بهاران و باروری تابستان و ... معلق می‌کنند! مخاطب سوگندها خود زوجین هستند و تضمین وفاداری و خیر و برکت را از یکدیگر مطالبه می‌کنند. سوگندهای پیش از عقد آریایی، شرایط لازم در سوگندهای حقوقی را ندارد و تشریفاتی

^۱. برای مشاهده متن اندرزها رجوع کنید به ایرانی، ۱۳۰۹، ۴۲.

کاملاً نمادین و فاقد ضمانت اجرای حقوقی ارزیابی می‌شود؛ بنابراین برای هرگونه نقض مفاد آن در آینده هیچ اثر حقوقی بار نمی‌شود.

ب) صیغه ایجاب و قبول

در عقد آریایی، زوجین اراده خود را بر ایجاد پیمان زناشویی در قالب الفاظی نظم‌گونه اظهار می‌کنند. در تحلیل محتوایی صیغه این عقد، به تبعیت از ارکان و شرایط اساسی صیغه عقد شرعی، ناگزیر از ارزیابی ویژگی‌های ذیل هستیم:

الف: فارسی بودن: متن عقد آریایی به زبان فارسی است. این ویژگی یکی از دلایل علاقه‌مندی جوانان پارسی‌زبان به این عقد ذکر شده است؛ چراکه از نظر آنان پابندی به فرهنگ و زبان فارسی به‌عنوان یک ارزش ملی در تمامی ابعاد زندگی و به‌ویژه در امر ازدواج بایسته است. این در حالی است که با دقت بیشتر در متن این عقد برخی واژه‌های عربی مانند «وفا»، «لحظه» و «عمر» به چشم می‌خورد و بنابراین این عقد برخلاف عقد باستانی، پابندی کامل به فرهنگ و زبان فارسی را تأمین نمی‌کند.

فارغ از برخی واژگان عربی موجود در متن، صیغه عقد آریایی دارای الفاظ صریحی در معنای ازدواج است. عباراتی چون «تو را من برگزیدم ... برای زیستن» یا «وفادار تو خواهم ماند در هر لحظه» در زبان فارسی، به‌صراحت بر قصد طرفین بر «ازدواج دائم» دلالت دارد. صراحت مذکور، گوینده و شنونده را از پیوست هر قرینه لفظیه و حالیه دیگر بی‌نیاز می‌سازد. با این‌وجود در این عقد نیز همچنان قرائن حالیه، مؤید دیگری بر ابراز قصد طرفین بر انعقاد نکاح دائم است.

ب: زمان حال بودن: در عقدنامه آریایی افعال به زمان حال به‌کار رفته است. داماد که آغازگر این پیمان است، می‌گوید: «میان این همه گواهان، بر لب آرم این سخن با تو، وفادار تو خواهم ماند...». عروس نیز با عباراتی به زمان حال پذیرای این پیمان می‌شود: «پذیرا می‌شوم تو را از جان، هم‌اکنون بازمی‌گویم میان انجمن با تو، وفادار تو خواهم بود...»

ج: عهده‌دار ایجاب: در صیغه عقد آریایی، داماد عهده‌دار صیغه ایجاب است. سپس عروس پیشنهاد زوج را مبنی بر تشکیل زندگی مشترک پذیرا می‌شود.

ج) دعا و نیایش پس از اجرای صیغه

پس از اجرای صیغه عقد و تبریک و شادباش گواهان، پیمان‌بان به زبان فارسی دعوای پایانی را بدرقه زندگی عروس و داماد می‌کند. وی پس از حمد و ثنای پروردگار بر توفیق بیوند ایجاد شده میان

زوجین، از درگاه خالق یکتا برای زوج جوان درخواست نیکبختی، سربلندی و نعمت فرزندان سالم و صالح می‌نماید. (www.talarkadeh.com/articles/aryan-marriage).

۳-۲- زن و شوهر

گزارشی درباره اجرای عقد آریایی به نحو فضولی یا غیابی نرسیده است و این عقد همواره به مباشرت خود زوجین صورت می‌گیرد. عروس و داماد در هنگام اجرای عقد حضورداشته و هر دو نسبت به مقتضیات نکاح مطلع و راضی هستند. پیمان‌بان نیز هنگام درخواست ادای سوگند از آن‌ها، نام ایشان را بر زبان جاری می‌کند. بدین ترتیب هویت عروس و داماد روشن است و احتمال هرگونه تدلیس و غری منتفی خواهد بود.

۳-۳- شهود

در عقد آریایی لزوم حضور گواهان در سه مرحله ایجاب، قبول و بالاخره در شادباش و گواهی بر پیمان، مشهود است. داماد پیشنهاد ازدواج و صیغه ایجاب را در حضور «گواهان» مطرح می‌کند. عروس نیز تعهد به وفاداری خود را در میان «انجمن» بازگو می‌سازد. پس از آن «گواهان»، این پیمان را گرامی می‌دارند. در پایان نیز سه بانوی حاضر که عروس و داماد را هنگام اجرای عقد همراهی کرده‌اند، پیمان آن‌ها را گواهی می‌دهند.

۳-۴- ولی

حضور پدر دختر یا وکیل قانونی وی هنگام اجرای عقد آریایی و اعلام موافقت او برای ازدواج دختر الزامی است.

۳-۵- مجری

از دلایل استقبال از عقد آریایی، علاوه بر زیبایی و آهنگین بودن متن عقد، قابل فهم بودن آن برای فارسی‌زبانان و توان انشای آن توسط زوجین است. به هنگام اجرای صیغه عقد، پیمان‌بان از عروس و داماد می‌خواهد متن عقد را پس از او تکرار کنند و خودشان عهده‌دار ابراز قصد و رضایت بر ازدواج با یکدیگر باشند. بر این اساس پیمان‌بان، مجری صیغه یا وکیل زوجین در انشای عقد نیست، بلکه تنها نقش راهنمایی را ایفا می‌کند که متن صیغه عقد را به زوجین القا می‌کند.

۳-۶- دوام ازدواج

عقد آریایی فقط در انعقاد ازدواج دائم به کار می رود و برای عقد موقت قابل استفاده نیست. در متن عقد با تأکید بر وفاداری در هر لحظه و هر جا و تمام عمر یک جان در دو بدن بودن به صراحت به دوام آن اشاره شده است.

۳-۷- مهریه

در عقد آریایی تعیین مهر و میزان آن، قبل از اجرای صیغه، به توافق زوجین صورت می گیرد. در واقع مهریه، تعهد مالی مضاعف زوج در کنار وظیفه مشترک زوجین به وفاداری است.

۳-۸- وفاداری زن و شوهر

وفاداری را می توان مهم ترین اصل تحکیم خانواده دانست. براساس این اصل، زوجین در اخلاق جنسی و روابط عاطفی، متعهد به چشم پوشی از غیر و ارضای نیازهای خود در کنار همسر قانونی و شرعی خود هستند. این وفاداری وظیفه متقابل زن و مرد است. در عقد آریایی در هر سه قسمت سوگندهای پیش از صیغه، متن صیغه و نیایش های پس از آن بر لزوم وفاداری زوجین، مکرر تأکید شده است.

۴- ادله عدم مشروعیت عقد آریایی

هرچند بحث از حکم عقد آریایی هنوز چندان مطمح نظر مراجع تقلید قرار نگرفته است؛ اما در تنها استفتای موجود در این خصوص آیت الله شاهرودی پاسخ داده است: «عقد آریایی، عقد شرعی نیست و جایز نیست به آن بسنده و اکتفا نمود» (<https://www.hashemishahroudi.org/fa/questions/131>). از آنجا که رویه فقیهان در پاسخ به استفتائات، همواره اکتفا به بیان حکم مسئله، بدون پرداختن به ادله آن بوده است، واکاوی دقیق تر این فتوا، ارزیابی مستندات احتمالی آن را ناگزیر ساخته است. در این قسمت با در نظر گرفتن آرا و مبانی فقهی امامیه به ادله ای که می تواند مستند دیدگاه اخیر قرار گیرد، اشاره خواهیم کرد:

۴-۱- نسخ شریعت های پیشین

اصولیین و متکلمین بر نسخ شرایع آسمانی پیشین تردیدی به خود راه نداده اند. با این وجود این پرسش همچنان باقی است که آیا دین اسلام تمامی احکام شرایع گذشته را نسخ کرده است یا تنها برخی از آن ها را؟ متفکران اسلامی با دو رویکرد متفاوت در صدد پاسخ برآمده اند: شماری از فقیهان با استناد

به آیه ۱۰۶ سوره بقره^۱ و برخی روایات^۲ به نسخ کلی تمامی احکام شرایع پیشین با ظهور اسلام نظر داده، انکار آنرا خلاف اجماع سلف دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۸۶ ق، ۱/۵۷). برخی نیز خاتم‌الانبیاء بودن پیامبر اسلام را از ضروریات دین دانسته و آنرا ملازم با نسخ کلی شرایع گذشته می‌دانند (مظفر، ۱۳۷۰ ق، ۷۹). نتیجه‌ی این قرائت از نسخ، آن است که عقدی که مطابق شریعت اسلام اجرا نشود، معتبر و محقق زوجیت نخواهد بود. به این ترتیب عقد آریایی نیز به فرض مطابقت کامل با عقد باستانی (بنا به ادعای طرفداران این عقد و نه نتایج این پژوهش)، از منظر اسلام، مشروع نیست؛ چه این‌که عقد ایرانیان باستان به فرض مطابقت با شریعت و آیین خودشان، تا پیش از ظهور اسلام مشروعیت داشته و با ظهور اسلام و نسخ شرایع پیشین، اثر شرعی خود را ازدست داده است.

نقد و بررسی: آیه مورد استناد، تنها به امکان نسخ آیات قرآن اشاره داشته و در آن سخنی از نسخ شرایع پیشین و فروع فقهی به میان نیامده است. علامه طباطبایی ذیل آیه می‌نویسد: «پاره‌ای از احکام الهی در همه ادیان بوده است و مادام که بشر عاقل و مکلفی در دنیا باقی باشد، آن احکام نیز باقی خواهد ماند و وجوب اقامه آن واضح است؛ اما پاره‌ای دیگر در حالی که در شرایع قبلی بوده، در شریعت بعدی نسخ شده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۸/۳۹). روایت نبوی مزبور نیز همان‌طور که از ادامه آن به‌خوبی فهمیده می‌شود^۳ تنها بر نسخ برخی از احکام شریعت‌های پیشین از جمله نکاح با محارم دلالت دارد و نه تمام آن. مراد از نسخ شریعت پیشین آن است که مجموع احکام آن روی هم‌رفته نسخ می‌شود، نه تک‌تک احکام آن. در اوامر و احکام الهی، اصل، ثبات و بقای آن‌ها تا زمانی است که شارع آن‌ها را با حکم یا شریعت دیگری نسخ نماید. به این ترتیب تعیین احکام منسوخ شریعت گذشته نیز به‌دست خود شارع است. درباره خاتمیت پیامبر و دلالت آن بر نسخ کلی شرایع پیشین نیز باید گفت، هیچ ملازمه‌ای میان آن‌ها نیست. افزون بر این همان‌گونه که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد عقد آریایی، اساساً متفاوت از عقد باستانی رایج در آئین زرتشت است و به این ترتیب بحث از نسخ یا عدم نسخ آن از اساس منتفی است.

۱. «مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسَخُ نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۲. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ كِتَابِي مُهَيِّئًا عَلَىٰ كُتُبِهِمُ النَّاسِخَ لَهَا».

۳. «وَلَقَدْ جِئْتِ بِتَحْلِيلِ مَا حَرَّمَوَا وَتَحْرِيمِ بَعْضِ مَا أَحَلَّوَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۹/۲۹۲).

۴-۲- اصل فساد

انعقاد هر عقدی وابسته به رعایت شرایطی است که شارع برای آن وضع کرده است. فقیهان امامیه با نظر به نصوص و ادله شرعی، شرایط اساسی صحت هر عقد را در شریعت اسلام تبیین کرده و پس از آن در تمامی عقود که بدون رعایت این شرایط منعقد شود، اصل را بر فساد گذارده‌اند (انصاری، ۱۴۲۸ ق، ۳/۳۴۵). در حقیقت حکم به صحت یک عقد و ترتب آثار آن، در اختیار شارع و نیازمند دلیل است؛ بدون وجود چنین دلیلی، هر عقدی باطل و بی‌اثر خواهد بود. صحت عقد آریایی به دلیل برخی تفاوت‌ها در ارکان و شرایطش با عقد شرعی و نیز بهره‌گیری از الفاظ جدید در انعقاد آن، همچنان مشکوک و محل تردید فقهاست. جریان اصل در این عقد نیز به هنگام شک، نتیجه‌ای جز بطلان آن نخواهد داشت. نقد و بررسی: استناد به اصل پیش‌گفته (فساد) در صورتی صحیح خواهد بود که هیچ دلیل لفظی دیگری موجود نباشد. چه این‌که اصالة الفساد، اصل عملی و دلیل لفظی، اماره است. اصولیون همواره امارات را بر اصول مقدم می‌دارند. در عقد آریایی نیز با وجود فحوای دلیل لفظی بر جریان عقود با الفاظ غیرعربی و غیر ماضی دیگر نوبت به جریان اصل عملی فساد نمی‌رسد.^۱

۴-۳- اصل احتیاط

تتبع در احکام و شرایط مقرر در عقد نکاح و برخی محدودیت‌ها و موانع آن از جمله حرمت نکاح با محارم موجب شده تا برخی از فقها احکام باب نکاح را سخت‌گیرانه تلقی نموده و با استناد به ضرورت حفظ انساب، استحقاق موارث و نظایر آن، بر شدت رعایت قوانین فقهی باب نکاح و فروج اصرار داشته باشند. به عقیده این گروه، شارع حکیم همه زنان را بر همه مردان حرام اعلام نموده و تنها در موارد خاصی حکم به جواز نکاح و حلّیت آن داده است (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۲/۲۸۶). این ترخیص شارع منحصر به عقد شرعی با الفاظ مشخص است. عقد آریایی و امثال آن از چنین رخصتی از سوی شارع برخوردار نبوده و عمل به احتیاط در آن لازم است.

^۱ مراد از الفاظ غیرعربی و غیر ماضی منحصر در الفاظ سه‌گانه شرعی (انکحت، زوجت، منعت) نیست، بلکه هر لفظی که معنای نکاح را برساند را در برمی‌گیرد. برای اطلاعات بیشتر در این باره رجوع کنید به مقاله محمدزاده، زینب. (۱۴۰۱)، «تحلیل انتقادی نظریه انحصار الفاظ ایجاب در عقد نکاح»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۱۴ (۲۸): ۳۰۲-۲۷۵.

نقد و بررسی: جایگاه رفیع و منحصر به فرد عقد نکاح در میان سایر عقود در شریعت اسلام، دلیل بر سخت‌گیری شارع در ایجاد علقه زوجیت نیست. چه بسا به‌رغم ظاهر امر، این اهتمام نشانگر توسعه در اسباب ازدواج باشد تا مصلحت عظیم ازدواج تأمین‌شده و امت مسلمان گرفتار زنا و عواقب ناپسند آن نشوند. کلام برخی فقیهان در این خصوص نیز به‌روشنی نشان می‌دهد که معنای احتیاط در باب فروج، همان رجحان و اولویت احتیاط است و نبایستی حمل بر وجوب احتیاط شود (شهید اول، ۱۴۱۴ ق، ۳/ ۴۱؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ ق، ۱/ ۱۴۴). به دیگر سخن رجحان احتیاط در باب نکاح نمی‌تواند موجب انقلاب اصالة الحل به اصالة الاحتیاط در این خصوص شود.

۴-۴- توقیفی بودن الفاظ نکاح

به باور برخی فقها انعقاد عقود لازم، نیازمند الفاظ خاص و صریح است. عقد نکاح نیز که به تعبیر قرآن میثاق غلیظ است (نساء/۲۱)، از جمله عقود لازم به‌شمار می‌رود و بنابراین تنها با الفاظ شارع در نصوص انشا می‌شود (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ ق، ۳/ ۷). عمده دلیل طرفداران این نظر که دیدگاه غالب فقیهان امامیه است، صراحت الفاظ مشتق از قرآن کریم و روایات معصومین، در معنای نکاح است. از آنجا که در قرآن (نساء/۳۲؛ احزاب/۳۷) و روایات از ازدواج تنها با الفاظ «تزویج»، «نکاح»، «تمتع» و مشتقات آن‌ها یاد شده است، این دسته از فقها الفاظ نکاح را منحصر در همین موارد دانسته و به بطلان نکاح با الفاظ دیگر حکم کرده‌اند. اجماع فقها بر این دیدگاه نیز (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ۷/ ۸۵) سند دیگری بر انحصار عقد نکاح به الفاظ سه‌گانه مشهور است. با این حساب عقد آریایی، به دلیل آنکه با الفاظ دیگر مطابق عرف و زبان فارسی منعقد می‌شود، محکوم به بطلان است.

نقد و بررسی: در قسمت بعد (ادله مشروعیت عقد آریایی)، ذیل دلیل «توقیفی نبودن صیغه نکاح» به تفصیل ایرادات وارد بر این نظریه را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

۵- ادله مشروعیت عقد آریایی

آیت‌الله مکارم شیرازی، در پاسخ به استفتائی درباره حکم عقد نکاح به زبان غیرعربی و سبک زرتشتی چنین مرقوم داشته: «عربی شرط نیست، همین مقدار که گفته شود این زن را به زوجیت دائم درمی‌آوریم، با فلان مهریه و طرف مقابل هم قبول کند کافی است؛ ولی تا ضرورتی نباشد نباید تسلیم پیشهاد زرتشتی‌گری شود»

(<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۱۱>)

به نظر می‌رسد مراد از عقدی که به زبان عربی نیست و به سبک زرتشتی برگزار می‌شود، در این استفتا همان عقد آریایی یا چیزی شبیه آن است؛ چه این که قطعاً صحت نکاح زرتشتیان برای خودشان محل سؤال نیست و نکاح مسلمانان به سبک زرتشتی مورد نظر بوده است. به فتوای اخیر صرف عربی نبودن عقد، دلیل بر بطلان آن نیست، بلکه هر ایجاب و قبولی که قصد نکاح دائم را برساند، با هر زبان و آدابی کفایت می‌کند. به منظور تبیین بهتر این نظریه، ادله احتمالی مشروعیت عقد آریایی را از نظر می‌گذرانیم:

۵-۱- عموماً صحت نکاح

مقتضای عموماً صحت نکاح (نور/۳۲؛ نساء/۳) این است که آثار صحت نکاح بر هر لفظی که عقد نکاح را محقق نماید، مترتب می‌شود؛ چراکه به غیر از نکاح با محارم و هم‌جنس که به واسطه دلیل خاص از عموم این آیات خارج شده‌اند، خروج عقود دیگر ثابت نشده است. عقد آریایی نیز به دلیل وجود الفاظ ایجاب و قبول و بقیه الزامات عقد نکاح، مشمول عموم این قاعده است.

۵-۲- عموم صحت نکاح اقوام و ملل

در منابع روایی شیعه و اهل سنت، اخباری به چشم می‌خورد که نکاح اقوام و ملت‌های مختلف^۱ را صحیح دانسته و همه آثار فقهی و حقوقی نکاح شرعی را برای آن‌ها ثابت می‌کند. به‌عنوان مثال می‌توان به عموم روایت «لکل قوم نکاح» (طوسی، ۱۳۶۴، ۷/۴۷۲) و عدم وجود مخصصی برای آن استناد کرد. در روایت دیگری نیز امام صادق (ع)^۲ می‌فرماید: «هر ملتی که بین نکاح و زنا تمایز قائل هستند، نکاحشان جایز است» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ق، ۲۱/۲۹۴). بدیهی است که مراد از جواز نکاح در این روایات، همان صحت و ترتب آثار است. گرچه این روایات، به‌طور مستقیم بر صحت نکاح اقوام و ملل غیرمسلمان مطابق شریعت خودشان دلالت دارد؛ اما همچنان می‌تواند در صحت نکاح اقوام غیر عرب مسلمان مطابق آداب و رسوم و تشریفات ملت خودشان نیز مورد استفاده قرار گیرد. در فرمایشی منسوب به امیر مؤمنان (ع)^۳ است که آداب و رسوم خویش را بر فرزندانان تحمیل نکنید؛ زیرا آنان در روزگاری غیر از شما می‌زیند.^۴ در خصوص عقد آریایی نیز می‌توان گفت مادامی که از سوی شارع رد و منعی در

۱. واژه «قوم» در روایت به معنای امت در زبان فارسی به‌کار رفته است (عبدالرحمن، ۱۴۱۹، ق، ۳/۱۲۴).

۲. «لا تُفسروا أولادکم علی آدابکم فإنهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ق، ۲۰/۲۶۷).

پذیرش این عقد وجود نداشته باشد، با وجود ارکان و شرایط لازم در عقد شرعی، نکاح با آداب و تشریفات یادشده، همچنان صحیح و دارای اثر است. رویه شارع در مورد احکام و آداب شرعی نکاح نشان می‌دهد، در هیچ نقل معتبر تاریخی و مستند روایی، ترغیب امت‌های تازه‌مسلمان به فراگیری الفاظ و سیره عقد نکاح مسلمانان دیده نمی‌شود. در حالی که آنان نیز مانند بقیه مسلمین انگیزه نکاح داشته و در صورت تأکید شارع بر اجرای صیغه شرعی، به یادگیری آن می‌پرداختند.

۵-۳- عموم وفای به عقد

عمومات تا زمانی که تخصیصی برایشان یافت نشود قابل استناد بوده و هنگام شک در صحت و فساد، مرجع تمسک قرار می‌گیرند. عموم آیه شریفه «أوفوا بالعقود» (مائده/۱) مستند فقها در اثبات صحت بسیاری از عقود و معاملات جدید است. «این آیه دلیل وجوب وفا به تمام پیمان‌هایی است که افراد انسان با یکدیگر و یا افراد انسان با خدا به‌طور محکم می‌بندند و به این ترتیب تمام پیمان‌های الهی و انسانی و نیز پیمان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تجاری، زناشویی و مانند آن‌را در برمی‌گیرد و یک مفهوم کاملاً وسیع دارد که به تمام جنبه‌های زندگی انسان از عقیده و عمل ناظر است. از پیمان‌های فطری و تولیدی گرفته تا پیمان‌هایی که مردم بر سر مسائل مختلف زندگی باهم می‌بندند» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ۴/۳۱۷). به این ترتیب عقد آریایی نیز مشمول عموم و اطلاق وجوب وفای به عقود خواهد بود.

شبهه: در استدلال به عمومیت اوفوا بالعقود در اثبات صحت عقدهای مشکوک، همواره وجود این پیش‌فرض ضروری است که فعلی شدن امر به وفا، مستلزم مشروع بودن متعلق آن است، در غیر این صورت وفای به عقد، لازم نخواهد بود؛ بنابراین باید مشروعیت متعلق را قبل از امر به آن فرض کرد، در حالی که مشروعیت عقد آریایی احراز نشده است تا مشمول وجوب امر به وفا واقع شود.

پاسخ به شبهه: «منظور از العقود در آیه، عقود جامع شرایط واقعی شرعی است. از این‌رو عقود مشکوک به‌طور مستقیم و بدون واسطه داخل در گستره این آیه نیست؛ لیکن پس از روشن شدن وضعیت آن به مثل اطلاق مقامی داخل در گستره آیه می‌شود» (علیدوست، ۱۳۹۷، ۱/۱۰۹). بر این اساس آیه مورد بحث صحت عقدهای مشکوک را نیز با واسطه اثبات می‌کند؛ بنابراین پس از اثبات صحت عقد نکاح اقوام و ملت‌ها در شرع اسلام و نبود موانع شرعی در صحت این عقود- مانند آنچه در ممنوعیت

نکاح با محارم به چشم می‌خورد- از سوی دیگر، عقد آریایی نیز مشمول عموم وجوب وفای به عقود قرار خواهد گرفت.

۵-۴- تحقق ارکان عقد نکاح

بررسی شباهت‌های اساسی میان عقد آریایی با عقد شرعی نشان می‌دهد، در عقد آریایی ارکان و شرایط لازم در عقد شرعی محقق است. برای روشن شدن مطلب، به تفصیل، وجود ارکان عقد شرعی در نکاح آریایی را بررسی می‌کنیم.

الف: صیغه: عقد نکاح همچون سایر عقود (به معنای خاص در مقابل ایقاعات)، نیازمند ایجاب و قبول است. «نکاح از عقود لازمی است که با الفاظ صریح و بیان‌کننده مقصود، واقع می‌شود» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ۷/ ۴۲۹). اگرچه در عقد آریایی برخلاف عقد شرعی، زوج عهده‌دار صیغه ایجاب و زوجه عهده‌دار قبول است؛ اما این امر مانع صحت عقد نیست. چه این‌که در خصوص لزوم انشای صیغه ایجاب توسط زوجه، میان فقها اجماعی وجود ندارد، بلکه شماری از فقها از جمله صاحب عروه و مرحوم خوئی انشای ایجاب توسط مرد را جایز شمرده و انشای آن توسط زن را تنها از باب احتیاط مستحب دانسته‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ ق، ۵/ ۵۹۸؛ خوبی، ۱۴۱۷ ق، ۳۳/ ۱۳۶).

صیغه ایجاب عقد نکاح در شرع اسلام، با الفاظ به‌کار رفته در قرآن و سنت یعنی «زوجت»، «انکحت» و «متع» منعقد می‌شود؛ اما قبول منحصر در لفظ خاصی نبوده و هر لفظی چون «قبلت»، «رضیت» و مانند آن‌که بیانگر رضایت زوج باشد، صحیح است (محقق حلی، ۱۴۰۹ ق، ۲/ ۴۹۸). دو ویژگی اساسی عربی بودن و ماضی بودن به‌روشنی در صیغه عقد شرعی نمایان است. این در حالی است که صیغه ایجاب و قبول عقد آریایی به زبان فارسی و زمان حال منعقد می‌شود.

در خصوص اعتبار عربی بودن صیغه نکاح، میان فقیهان امامیه اختلاف است. برخی از ایشان صیغه نکاح را تنها با الفاظ عربی جایز می‌دانند (محقق کرکی، ۱۴۰۸ ق، ۵/ ۴۵). در مقابل، شماری بر این باورند که خصوصیت و موضوعیتی در به‌کار بردن الفاظ عربی و انشا به‌وسیله آن‌ها وجود ندارد. از این‌رو عربیت را شرط ندانسته‌اند، بلکه انعقاد نکاح را به الفاظ رایج در عرف و زبان متعاقدین صحیح می‌شمارند (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ ق، ۲۹۲؛ انصاری، ۱۴۲۰ ق، ۷۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ ق، ۱/ ۵۹). براساس دیدگاه اخیر، انشای عقد آریایی به زبان فارسی خللی در صحت آن ایجاد نمی‌کند.

فقها همچنین در خصوص شرط ماضی بودن صیغه عقد اختلاف دارند. شماری از ایشان صیغه نکاح را تنها به افعال ماضی صحیح می‌دانند. به باور این گروه از فقها، یکی از شروط صحت صیغه نکاح، صراحت لفظ در انعقاد عقد است. از سوی دیگر در زبان عرب تنها افعال ماضی صراحت در انشای عقد دارد و صیغه مضارع و امر از چنین ویژگی‌ای برخوردار نیستند؛ بنابراین عقد نکاح تنها با الفاظ ماضی انشا می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۹، ق، ۲ / ۴۹۸). در مقابل این دیدگاه، برخی از فقها ماضی بودن را شرط ندانسته و صیغه نکاح را با مضارع و امر هم محقق می‌دانند. ایشان معتقدند اختصاص صراحت به افعال ماضی وجهی ندارد (انصاری، ۱۴۲۰، ق، ۷۸). به این ترتیب انشای عقد آریایی به افعال مضارع، خللی در صراحت و صحت عقد ایجاد نمی‌کند، خصوصاً که این عقد به زبان فارسی منعقد می‌شود و حال افعال (ماضی و مضارع) به جهت صراحت و عدم صراحت در زبان فارسی با عربی متفاوت است.

ب: زوج و زوجه: از جمله ارکان اساسی عقد نکاح، طرفین عقد هستند (علامه حلی، ۱۴۱۹، ق، ۵۱/۳؛ جزیری، ۱۴۲۴، ق، ۴/۱۶-۲۳). از بررسی متون فقهی در این خصوص، وجود سه شرط الزامی در متعاقدين برداشت می‌شود: نخست، متعاقدين باید دارای جنسیت متفاوت (زن و مرد) باشند. به این ترتیب در شرع اسلام نکاح افراد هم‌جنس پذیرفته شده نیست. دوم، هویت زن و شوهر باید معلوم و معین باشد. سوم، طرفین باید در ازدواج اختیار داشته باشند (اصفهانی، ۱۳۸۰، ۷۰۳ و ۷۰۷). در عقد آریایی به دلیل شکل اجرای آن، اجتماع شرایط یادشده به روشنی مشهود است. چه این‌که این عقد تنها میان زن و مرد و با حضور و رضایت ایشان صورت می‌گیرد.

ج: شهود: شهود تنها بنا به نظر برخی از مذاهب اسلامی جزء ارکان عقد به‌شمار می‌روند؛ به گونه‌ای که اگر هنگام اجرای عقد دو شاهد حاضر نباشند، عقد باطل است (جزیری، ۱۴۲۴، ق، ۴ / ۲۸)؛ اما فقهای امامیه آن‌ها را از ارکان عقد نکاح ندانسته و تنها حضورشان را مستحب می‌شناسند (انصاری، ۱۴۲۰، ق، ۳۲). در عقد آریایی نیز گواهان به هنگام عقد حضور دارند.

د: ولی: فقیهان امامیه در عدم ولایت پدر و جد پدری در ازدواج ثبیه تردیدی به خود راه نداده‌اند (نجفی، ۱۳۶۲، ۱۸۲/۲۹)؛ اما در خصوص نکاح دختر باکره آرای بسیار متفاوتی دارند. مشهور، اذن پدر را در نکاح دختر رشیده شرط نمی‌شناسند (محقق حلی، ۱۴۰۹، ق، ۲/۵۰۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۹، ق، ۷/۱۰). با این حال اذن ولی، از منظر برخی فقهای امامیه، از شرایط عقد و به باور ائمه شافعی، مالکی و حنبلی از

ارکان عقد محسوب می‌شود (جزیری، ۱۴۲۴، ق، ۳۲/۴). در عقد آریایی ولیّ دختر به هنگام اجرای صیغه عقد حضور دارد و از رکن یا شرط لازم مطابق دیدگاه اخیر برخوردار است.

ه: مجری: در جامعه ایرانی به دلیل عربی بودن صیغه نکاح و عدم تسلط زوجین به زبان عربی، غالباً صیغه عقد شرعی توسط وکیل آن‌ها قرائت می‌شود. با این حال اجرای صیغه توسط خود زوجین در عقد آریایی منافاتی با صحت آن ندارد. چه این‌که در شرع نیز علاوه بر وکیل و ولیّ (در نکاح صغیر و مجنون) زن و مرد در صورتی که بالغ باشند و توانایی تلفظ عبارات صیغه را داشته باشند، اجرای صیغه توسط خودشان مانعی ندارد؛ بلکه به طریق اولی جایز است.

و: مهریه: از آنجا که عقد آریایی، عقدی دائم است، در تبیین فقهی آن، احراز ارکان و شرایط لازم در عقود دائم ملاک است. در خصوص جایگاه مهریه در عقد نکاح، فقهای امامیه به اتفاق، مهر را شرط یا رکن این عقد نمی‌شناسند و نکاح دائم را بدون مهر نیز صحیح می‌دانند. در میان فقهای اهل سنت نیز مالکیه گر چه به رکنیت مهر در عقد نکاح نظر داده‌اند؛ اما ذکر آن‌را در عقد لازم نمی‌دانند (جزیری، ۱۴۲۴، ق، ۱۶/۴). در عقد آریایی نیز گرچه در متن عقد به وجود یا کم و کیف مهریه اشاره نشده است؛ اما کلیه توافقات در این خصوص، پیش از عقد صورت گرفته و طرفین با علم و رضایت نسبت به آن، اقدام به اجرای عقد می‌کنند. استحقاق و ملکیت مهر در عقد آریایی عیناً تابع احکام نکاح دائم است (محمودزاده، ۱۴۰۰، ۲۱۶-۲۰۲).

مقایسه عقد آریایی با عقد شرعی نشان می‌دهد به‌رغم تفاوت‌هایی که در نحوه اجرای آن‌ها مشاهده می‌شود؛ اما این عقد تمامی ارکان و شرایط لازم در صحت عقد شرعی را داراست و از این جهت مانعی برای مشروعیت آن وجود ندارد.

۵-۵- توقیفی نبودن صیغه نکاح

مشهور فقهای امامیه صیغه نکاح را منحصر در الفاظ سه‌گانه (انکحت، زوجت و متعت) می‌دانند. در مقابل، غالب فقیهان اهل سنت و برخی از فقهای امامیه، الفاظ نکاح را توقیفی و منحصر در لفظ یا الفاظ خاص و صریح نمی‌شناسند (نراقی، ۱۴۱۵، ق، ۹۰/۱۶؛ جزیری، ۱۴۲۴، ق، ۲۶/۴). ایشان معتقدند انعقاد نکاح محدود به الفاظ موجود در قرآن و سنت نیست، بلکه هر لفظی که مقصود طرفین را برساند، کافی است. عنصر مهم و اساسی کلیه تبادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بشر، اراده و قصد است. گرچه اراده امری باطنی و پنهانی و بنابراین نیازمند نیازمند لفظی برای بیان و اظهار آن به‌طرف مقابل است؛ اما معتبر

دانستن لفظ خاص در بیان آن خلاف روش و عرف عقلاست. این سیره و روش عقلا در شرع نیز معتبر شناخته شده و منع و ردعی از شارع بر آن در دست نیست. بر این اساس الفاظ به‌کار رفته در عقد آریایی نیز از آن جهت که به صراحت بر قصد طرفین بر ازدواج دلالت می‌کند، معتبر و مفید انعقاد عقد است.

۵-۶- قیاس اولویت نکاح آریایی بر نکاح معاطاتی

از ادله مشروعیت عقد آریایی می‌توان به قیاس آن با عقد معاطاتی و اولویت آن در صحت و مشروعیت استناد کرد. علی‌رغم دیدگاه مشهور مبنی بر عدم مشروعیت نکاح معاطاتی، صحت آن همچنان به‌عنوان یک نظریه در میان اندیشمندان معاصر مطرح بوده و به حیات خود ادامه می‌دهد. صادقی تهرانی از مراجع تقلید شیعه و مفسر قرآن در خصوص صحت انعقاد ازدواج به هر لفظ و زبانی بیان می‌کند: «در صورتی که جریانی میان زن و مرد انجام گردد که با نوشتن یا گفتن یا اشاره یا هر طور دیگر که به روشنی دلالت بر انجام ازدواج کند، کافی است... کفش روی کفش گذاردن یا شیرینی به یکدیگر تعارف کردن یا هر اشاره و عملی دیگر که در عرف آنان دلیل بر انجام ازدواج است همه این‌ها کافی است و دیگر صیغه‌ای چه عربی و چه به زبانی دیگر لازم ندارد. عمده این است که معلوم باشد قضیه رفیق‌بازی یا زنا در کار نیست، بلکه مقصود زناشویی و تشکیل زندگی جدید است» (صادقی تهرانی، بی‌تا، ۱۷۳).

با در نظر گرفتن اندیشه‌های فقهی پیش‌گفته، در حالی که نکاح معاطاتی (بدون ایجاب و قبول) صحیح دانسته شده است، عقد آریایی که هم از ایجاب و قبول لفظی برخوردار است و هم به ضمیمه تمامی آداب و تشریفات آن از جمله برپایی مراسم جشن و گواه‌گیری، به روشنی بیانگر اراده طرفین و قصد و رضای ایشان بر تشکیل زندگی مشترک است، به قیاس اولویت صحیح خواهد بود.

نتیجه

نتایج این تحقیق نشان‌دهنده وجود شباهت‌های بنیادین میان ارکان و شرایط عقد آریایی با عقد شرعی است. در عین حال برخی تفاوت‌ها در شکل اجرای این دو عقد نیز قابل‌انکار نیست؛ اما این تفاوت‌ها در حدی نیست که مانعی در صحت و مشروعیت آن ایجاد کند.

از جمله دلایل استقبال فزاینده زوجین جوان از عقد آریایی، ویژگی‌های منحصر به فرد صیغه عقد نسبت به عقد شرعی است. در عقد آریایی علاوه بر بهره‌مندی از الفاظ زیبا و آهنگین زبان فارسی، از الفاظ صریحی که مستقیماً بر اراده زوجین بر آغاز زندگی مشترک با یکدیگر دلالت دارد، استفاده شده است،

حال آنکه الفاظ صیغه عقد شرعی به زبان عربی و برای فارسی‌زبانان ناآشنا است. در عقد آریایی اجرای صیغه عقد بر عهده خود زوجین است. زن و مرد الفاظ صیغه را به دنبال پیمان‌بان تکرار می‌کنند و نقش مستقیم در پذیرش مفاد این پیمان دارند. در حالی که اجرای صیغه عقد شرعی به دلیل عدم تسلط ایرانیان به زبان عربی بیشتر بر عهده وکیل گذارده می‌شود و زوجین بدون هیچ درکی از معانی این الفاظ، به اعلام رضایت باطنی خود بر عقد ازدواج اکتفا می‌کنند.

محتوای عقد آریایی بیشتر بر لزوم وفاداری، مهرورزی، هم‌تنی و هم‌روانی زوجین تأکید دارد، حال آنکه اکثر الفاظ به‌کار رفته در صیغه نکاح شرعی (انکحت و تمتعت) یادآور تعهد زوجین به حفظ روابط جنسی آن‌ها است. این موضوع از دیگر دلایل روگردانی زنان و دختران ایرانی از عقد شرعی است. در فرهنگ ایرانی زن مظهر ناز است و مرد نیاز. زن ایرانی از به‌کار بردن این الفاظ برای اعلام رضایت خود بر ازدواج شرم دارد و چه‌بسا آن‌را دون شأن خود می‌شناسد. خصوصاً که در عقد شرعی زن عهده‌دار صیغه ایجاب است. در عقد آریایی سخن از تعهدات مالی به میان نمی‌آید. توافقات لازم درباره مهر قبل از انجام عقد صورت پذیرفته و به متن عقد راه نمی‌یابد. در حالی که صیغه نکاح شرعی (موقت) بیش از آنکه گویای حقوق و تکالیف معنوی و عاطفی زوجین در مقابل یکدیگر باشد، یادآور تعهدات مالی زوج در موضوع مهریه است. مجاورت تعهدات جنسی و مالی در صیغه عقد شرعی توهم معاوضه آن‌ها در عقد نکاح را ایجاد می‌کند. در مقاله‌ای که پیش‌تر از نگارنده به چاپ رسیده است توضیح داده شده که معاوضه‌انگاری نکاح و تعریف آن به «معاوضه بهره‌وری جنسی زوجه در برابر مهریه»، پیامدهای فقهی، حقوقی و اخلاقی ناگواری به دنبال داشته و با ماهیت عقد نکاح و جایگاه زن در اسلام سازگار نیست.^۱ محتوای عقد آریایی با تأکید مکرر بر وفاداری به عنوان وظیفه متقابل زوجین، نظام تک‌همسری را به عنوان طبیعی‌ترین شکل نهاد اجتماعی - حقوقی ازدواج و یک ارزش بنیادین در فرهنگ ایرانی به رسمیت می‌شناسد. چه این‌که در عرف و فرهنگ ایرانی وفاداری مفهوم محدودتری نسبت به مفهوم شرعی آن دارد. ازدواج مجدد مرد با زنان دیگر، نقض وفاداری تلقی می‌شود، حال آنکه در اصطلاح فقهی روابط مشروع زوج خارج از چارچوب خانواده، منافاتی با وفاداری وی ندارد.

^۱. برای مطالعه بیشتر در این باره رجوع کنید به مقاله محمدزاده، زینب و نظری توکلی، سعید. (۱۳۹۹)، «چیستی

نکاح دائم و تأثیر آن بر حقوق زوجین»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۱۲ (۲۳): ۲۸۷-۳۰۸.

به‌رغم ویژگی‌های مثبت و برجسته‌ای که در عقد آریایی مشاهده کردیم، وجود برخی غفلت‌ها و کاستی‌ها که به‌خوبی حکایت از شتاب‌زدگی و فقدان پیشینه علمی و تحقیقاتی در انتخاب متن و تشریفات این عقد نوپیدا دارد، قابل‌انکار نیست. این عقد به خلاف تصور طرفداران آن هیچ شباهتی با عقد باستانی نداشته و بخشی از متن شعر یکی از شعرای معاصر ایرانی است. برخی از الفاظ به‌کار رفته عربی بوده و باهدف پاسداری از زبان و فرهنگ فارسی مطابقت کامل ندارد. سوگندهای قبل و نیایش‌های پس از عقد نیز فاقد پیشینه مشخص و نیز ضمانت شرعی و حقوقی است. زوجین در تعهدات خود، به‌جای مقدسات دینی به فصل‌های سال سوگند یاد می‌کنند. در برخی از آداب و تشریفات این عقد، احکام شرعی به‌طور کامل رعایت نگردیده است. به‌عنوان نمونه زن و مرد پیش از ایراد صیغه محرمیت، دست در دست هم صیغه عقد را جاری می‌سازند. با این حال گفتنی است اعمال و تشریفات این‌چنینی، تنها معصیت و مضمول حکم تکلیفی حرمت است و دلیلی بر عدم مشروعیت عقد نیست. به این ترتیب می‌توان گفت عقد آریایی مشروط به اجتناب از مقدمات حرام و عدم اختلال در نظم عمومی، از سایر ارکان و شرایط صحت عقد در دین اسلام، همچون طرفین عقد، قصد و رضای آن‌ها بر نکاح و نیز صیغه‌ای که میرز این اراده باشد، برخوردار است.

منابع

القرآن الکریم

ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج‌البلاغه، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.
 اصفهانی، ابوالحسن. (۱۳۸۰)، وسیله النجاه (مع تعالیق الامام الخمینی)، ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

انصاری، مرتضی. (۱۴۲۰ ق)، کتاب النکاح، قم: تراث الشیخ الاعظم.

انصاری، مرتضی. (۱۴۲۸ ق)، فرائد الاصول، ج ۹، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۱)، دانشنامه مزدیسنا، واژه‌نامه توضیحی آئین زرتشت، تهران: نشر مرکز.

ایرانی، دین‌شاه. (۱۳۰۹)، اخلاق ایران باستان، بمبئی: انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی.

جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۲۴ ق)، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۲، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، ج ۴، تهران: گنج دانش.

خویی، سید ابوالقاسم و بروجردی، مرتضی. (۱۴۱۷ ق)، *المستند فی شرح العروه الوثقی*، قم: مؤسسه احیاء الآثار الامام الخویی.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷)، *لغت نامه دهخدا*، ج ۲، زیر نظر: محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.

شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۴ ق)، *غایه المراد فی شرح نکت الارشاد*، ج ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ ق)، *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*، بیروت: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

صادقی تهرانی، محمد. (بی تا)، *رساله توضیح المسائل نوین*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم. (۱۴۱۹ ق)، *العروه الوثقی فیما نعم به البلوی*، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید علی. (۱۴۱۹ ق)، *ریاض المسائل*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۵، مترجم: محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۸۶ ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، نجف اشرف: مطبعه النعمان. طوسی (ابن حمزه)، محمد بن علی. (۱۴۰۸ ق)، *الوسیله*، قم: منشورات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

طوسی، حسن. (۱۳۶۴)، *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه*، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه. عبدالرحمن، محمود. (۱۴۱۹ ق)، *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة*، قاهره: دار الفضیله.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۹ ق)، *قواعد الاحکام*، قم: مؤسسه نشر اسلامی. علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۹۷)، *فقه و حقوق قراردادها*، ج ۴، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۱ ق)، *تفصیل الشریعه (کتاب النکاح)*، ج ۱، قم: مرکز فقه ائمه اطهار. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۴ ق) *التنقیح الرائع لمختصر الشرایع*، ج ۱، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ ق)، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (ع).

- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸)، *اثبات و دلیل اثبات*، ج ۵، تهران: میزان.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق)، *بحارالانوار*، ج ۳، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ ق)، *مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۹ ق)، *شرایع الاسلام*، ج ۲، تهران: استقلال.
- محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۰۸ ق)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- محمودزاده، رؤیا. (۱۴۰۰)، «استحقاق و ملکیت مهر در فقه مذاهب اسلامی»، *مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب*، ۴ (۲): ۲۱۶-۲۰۲.
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۰ ق)، *عقائد امامیه*، نجف اشرف: کلیه الفقه.
- مکارم شیرازی، ناصر و سایر نویسندگان. (۱۳۸۷-۱۳۵۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- منوچهر پور، منوچهر. (بی تا)، *بدانیم و سربلند باشیم دوره‌ای از آموزش‌های آیین زرتشت*، تهران: فروهر (وابسته به سازمان جوانان زرتشتی ایران).
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲)، *جواهر الکلام*، ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، احمد. (۱۴۱۵ ق)، *مستند الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- نیکنام، کوروش. (۱۳۹۴)، *یادگار دیرین*، تهران: نشر بهجت.

www.hashemishahroudi.org

www.makarem.ir/main.aspx?typeinfo=۲۱&lid=۰&catid=۵۱۱

www.talarkadeh.com/articles/aryan-marriage